

عزاداری چگونه تأسیس شد / اشاره پیامبر(ص) به گریه بر حمزه سیدالشهدا

از اشاره پیامبر بر اقامه عزا و گریه بر حمزه سیدالشهدا(س) معلوم می شود، رسم نوحه و گریه بر شهیدی از شهیدان اهل بیت از همان دوران حیات حضرت ختمی مرتبت(ص) در میان مسلمانان جریان یافته است.



از اشاره پیامبر بر اقامه عزا و گریه بر حمزه سیدالشهدا(س) معلوم می شود، رسم نوحه و گریه بر شهیدی از شهیدان اهل بیت از همان دوران حیات حضرت ختمی مرتبت(ص) در میان مسلمانان جریان یافته است.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: یادداشت پیش رو به مناسبت سالروز جنگ احد و شهادت حمزه سیدالشهدا(س) از نظر می گذرد؛

پانزدهم شوال، سالروز جنگ احد است. از نکته های جالب در این جنگ، تأسیس مراسم عزاداری بر شهدای اهل بیت(ع) با راهنمایی و دلالت حضرت رسول گرامی(ص) است. داستان از این قرار است که حضرت حمزه(ع) در این جنگ شهید می شوند. زنان مدینه که بر شهیدایشان مویه می کردند، خبر می شوند که قلب نازنین حضرت رسول(ص) از بابت شهادت عمویشان فوق العاده متألم و منقلب است و حضرتشان وقتی صدای نوحه ها را از خانه ها شنیده اند، فرموده اند: «لکن حمزه لا بواکی له: ولی بر حمزه(س) هیچ کس نیست که بگرید و چون حضرت داخل مدینه شد و از خانه های بنی اشهل و بنی ظفر، صدای نوحه کنندگان را شنید، پس دیده اش پر آب شد و بر روی مبارکش ریخت و فرمود: امروز کسی نیست که بر حمزه گریه کند.

چون سعد ابن معاذ و اسید ابن حضیر این را شنیدند، گفتند: هیچ زن از انصار بر کشته خود گریه نکند تا اول برود و حضرت فاطمه(س) را بر تعزیه (یعنی بر پا داشتن عزا) حمزه(ع) یاری کند. چون حضرت گریه ایشان را شنید، فرمود: برگردید؛ خدا شما را رحمت کند.» (علامه مجلسی، حیوة القلوب، انتشارات اسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۷۸، صفحه ۳۷۲). علامه بزرگوار جناب مجلسی در ادامه آورده است: و تا امروز در مدینه مقرر است هر مصیبت که بر ایشان وارد می شود، اول بر حمزه نوحه می کنند.

مرحوم شیخ عباس قمی، صاحب مفاتیح الجنان نیز در کتاب «فیض العلام فی عمل الشهور و وقایع الایام»، همین نکته را آورده اند: «و این قاعده در میان زنان مدینه ماند که در هر مصیبتی که روی بکند، اول لختی بر حمزه بگیرند آن گاه بر مصیبت خود.» معلوم می شود پیش از دستور اهل بیت معظم و شریف پیامبر(ص) به شیعیان مبنی بر برپاداری مجالس عزا و بکاء بر حضرت ارباب آقا اباعبدالله الحسین(ع)، در همان دوران حیات ظاهری و تاریخی حضرت ختمی مرتبت(ص) با اشاره ایشان و شور و شوق عاشقانه بزرگمردانی از انصار مانند جناب سعد ابن معاذ، رسم نوحه و گریه بر شهیدی از شهیدان اهل بیت(ص) یعنی جناب حمزه سیدالشهدا(ع) در میان مردم مدینه جریان یافته بود.

مسأله، مسأله «مصیبت» و جایگاه بنیادین آن در دین است. مصیبت، تحفه خداوند برای اولیاست. حضرت حمزه سیدالشهدا(ع) به کمین کشته شد. کسی در رویارو تاب مقاومت در برابر ایشان را نداشت. آن غلام حبشی، از یک لحظه استفاده کرد. پای آن حضرت در گودالی رفت و همین مکث، فرصت به «وحشی» داد که زوبینش را پرتاب کند. پس از آن، جسارت هند جگرخوار به پیکر مطهر آن حضرت را همه می دانیم. وقتی رسول الله(ص) خبر عمویشان را گرفتند، آن صحابی رفت و نیامد چرا که نمی دانست خبر را چگونه بگوید.

حضرت رسول (ص) برادر و پسر عموی عزیزش مولا علی(ع) را فرستادند و آن حضرت نیز بازنگشت. وقتی پیامبر خدا خود قدم رنجه فرمودند و به آن سو رفتند، حضرت مولا را دیدند که بالای سر جنازه ایستاده اند. از آن قامت بالابند که بر قد و بالای سرو طعنه می زد، چه مانده بود؟ مثله اش کرده بودند. جگرش را شکافته بودند. دست و پایش را بریده بودند. عبایی آوردند و بر جنازه انداختند. عبا به قد و بالای حمزه نمی رسید.

پیامبر خدا(ص) دستور دادند که مشتی سبزه و علف برچینند و روی پای مبارکش بریزند که از عبا بیرون مانده بود. این بود مصیبت حمزه سیدالشهدا(ع). زنان مدینه، حضرت زهرا(س) مرضیه را در آن عزا تنها نگذاشتند اما دختر زهرا(س) اطهر کسی را نداشت که برود برایش خبر بیاورد که چه بر سر برادرش آورده اند. خودش رفت و کسی نبود که همراه او گریه کند. خودش دست زیر آن پیکری گذاشت که چیزی از آن نمانده بود و رو به آسمانش گرفت و گفت: اللهم تقبل منا هذا القلیل من القربان...

*

